

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

## همکاری‌های اقتصادی - نظامی

---

## آذربایجان و پاکستان

---

گزیده پژوهش‌های جهان: همکاری اقتصادی - نظامی آذربایجان و پاکستان  
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -  
معاونت پژوهشی  
تلخیص و ترجمه: دلیله رحیمی آشتیانی  
تاریخ انتشار: ۹۶/۶/۲۱  
تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵  
صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵  
نشانی اینترنت: [www.tisri.org](http://www.tisri.org)  
کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به  
هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.

---



## خلاصه اجرایی

آذربایجان و پاکستان روابط سیاسی منحصربه‌فردی با یکدیگر دارند که از مرزهای زمینی فراتر رفته و بعد جغرافیایی را پشت سر گذاشته است. نویسندگان نوشتار حاضر معتقدند که روابط سیاسی ویژه آذربایجان و پاکستان، می‌تواند فضای مناسبی را در زمینه‌های گوناگون مخصوصاً در بخش اقتصادی - دفاعی فراهم آورد.

روابط دیپلماتیک آذربایجان با پاکستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، آغاز شد و از همان زمان به سرعت توسعه و ارتقاء پیدا کرد. پاکستان دومین کشوری بود که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت و با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار نکرد. هر دو کشور نیز یکدیگر را در بحران‌های مختلفی که با آن روبرو هستند - قره‌باغ و کشمیر - و همچنین در نهادهای بین‌المللی حمایت می‌کنند. نگارندگان با نگارش این مقاله درصددند تا چشم‌انداز روابط اقتصادی - دفاعی این دو کشور و آینده همکاری بین این دو بازیگر را در صورت تقویت ظرفیت مشارکت دوجانبه بررسی کنند. تبیین دلایل پایین بودن سطح تبادلات تجاری با وجود سطح بالای روابط دیپلماتیک، از جمله دیگر اهداف نویسندگان این مقاله است.

نویسندگان بعد مسافت و وجود رقبا اصلی اقتصادی پاکستان، یعنی ایران و ترکیه را عامل مهمی در پایین بودن تبادلات تجاری دو طرف می‌دانند. به گفته آنها، با آغاز فعالیت طرح «یک کمربند، یک راه» می‌توان ایران و ترکیه را از عرصه رقابت با پاکستان خارج کرد. خرم عباس و کمال ملیکی علی‌اف نگرانی‌های مشترک سرزمینی هر دو کشور در کشمیر و قره‌باغ را عامل مهمی در همگرایی امنیت - دفاعی این دو می‌دانند و معتقدند که می‌توان با تکیه بر همین نگرانی میزان همکاری‌ها را افزایش داد.



## همکاری‌های اقتصادی - نظامی آذربایجان و پاکستان<sup>۱</sup>

### مقدمه

بنا بر استدلال نویسندگان، داشتن ارزش‌های دینی و مذهبی، تاریخی و فرهنگی مشترک، سبب برقراری روابط دیپلماتیک، سیاسی، دفاعی و اقتصادی بین دو کشور و پس از استقلال آذربایجان شده است. هر چند که با وجود روابط دوستانه سیاسی و راهبردی بین دو کشور، روابط اقتصادی این دو سست و نیم‌بند است.

نویسندگان یادآور می‌شوند که دو کشور روابط دوجانبه اقتصادی خود را در سال ۱۹۹۵ و در قالب سازمان همکاری اقتصادی<sup>۲</sup> (اگو) آغاز کردند؛ اما بیست سال پس از این تاریخ، حجم مبادلات اقتصادی بین این دو کشور در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ نزدیک نوزده میلیون دلار (۱۸/۷۳۵ میلیون دلار) است. این درحالی است که دو کشور در تلاش‌اند تا حجم تبادلات دوجانبه خود را با به اشتراک گذاشتن تجربیات گوناگون در زمینه‌های مختلف افزایش دهند. پاکستان و آذربایجان همچنین در تلاش‌اند تا همکاری در بخش نظامی را نیز افزایش داده و ارتقا بخشند که از نگاه نگارندگان برای هر دو کشور کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. بحران کشمیر - قره‌باغ، دغدغه‌هایی هستند که دو کشور را برای همکاری هرچه بیشتر در مسائل دفاعی و ارائه پاسخ مناسب امنیتی در وقت مناسب، ترغیب می‌کند.

با توجه به پیشینه تاریخی مشابه، اشتراکات همسان در زمینه مسائل امنیتی با همسایگان مجاور، این مقاله درصدد است تا به عرصه همکاری اقتصادی - دفاعی دو کشور

۱. این متن ترجمه و تلخیصی است از:

Pakistan-Azerbaijan Economic and Defence Cooperation, Dr Kamal Makili-Aliyev\* and Khurram Abbas, Islamabad Policy Research Institute IPRI Journal XVI, No.1, p 42-58, (Winter 2016).

2. Economic Cooperation Organization (ECO)



اشاره کرده و چشم‌انداز و چالش‌های همکاری در این دو بخش را واکاوی کند. بخش نخست مقاله به تبیین روابط اقتصادی دو کشور می‌پردازد.

## ۱. همکاری‌های اقتصادی

نگارندگان در این بخش از مقاله، روابط اقتصادی پاکستان و آذربایجان را به‌صورت کلی و جداگانه بررسی و سپس چالش‌ها و چشم‌انداز آینده این همکاری‌ها را پیش‌بینی می‌کنند.

### اقتصاد پاکستان

با استناد به سخنان جیم اونیل<sup>۱</sup>، اقتصاددان انگلیسی، اینگونه استدلال می‌شود که پاکستان می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ به اقتصاد هیجدهم دنیا تبدیل شود. کشاورزی همچنان مهم‌ترین بخش اقتصادی پاکستان و مزیت نسبی این کشور تولید برنج، پنبه و نخ است. در سال ۲۰۱۳ نیز دولت پاکستان سیاست‌های خود را در مورد سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل کرد تا سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به‌راحتی انجام شود و افزایش یابد. خرم عباس کریدور اقتصادی چین - پاکستان و خط لوله گاز ایران - پاکستان و موافقت‌نامه واردات گاز قطر به پاکستان را نمونه‌ای از تسهیلات دولت پاکستان برای سرمایه‌گذاری خارجی می‌داند.

### اقتصاد آذربایجان

آذربایجان از زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و پس از استقلال، روابط اقتصادی و مبادلات تجاری خود را با بیش از ۱۵۰ کشور آغاز کرد. صادرات نفت مهم‌ترین بخش اقتصادی آذربایجان است تا جایی که ختاک، نرخ بالای رشد اقتصادی این کشور را در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ ناشی از صادرات بالای نفت این کشور می‌داند. به ادعای نویسندگان، آذربایجان در سال‌های اخیر پیشرفت خوبی در انجام اصلاحات اقتصادی و پیشبرد اقتصاد بازار آزاد داشته است و اکنون ۸۵ درصد اقتصاد آذربایجان مربوط به بخش خصوصی در این کشور است.

در مورد روابط دوجانبه اقتصادی بین دو کشور، نویسنده توافق‌نامه همکاری تجاری اقتصادی بین پاکستان و آذربایجان در سال ۱۹۹۵ اشاره می‌کند. این موافقت‌نامه در سال ۱۹۹۸ منقضی شد و پس از آن تا به امروز هیچ موافقت‌نامه جدید دیگری در زمینه مسائل

1. Jim O'Neil



اقتصادی به امضاء نرسیده است؛ هرچند موافقت‌نامه سازمانی به نام «کمیسیون وزارتی مشترک» بین پاکستان و آذربایجان نیز امضاء شده است، اما توسط هیچ‌یک از مقامات رسمی دو کشور جدی گرفته نشد. با وجود این، حجم تبادلات تجاری بین دو کشور در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ به بیش از ده میلیون دلار افزایش یافت.

نگارندگان، دلایل پایین بودن سطح تبادلات تجاری بین دو کشور را با وجود روابط سیاسی و دیپلماتیک صمیمانه اینگونه بیان می‌کند:

نخست، تجارت پاکستان به طرز فوق‌العاده‌ای در رقابت با ایران، ترکیه، و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup> است. البته این رقابت در میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بیشتر است زیرا تجارت میان این کشورها معاف از مالیات است و تنها هیجده درصد ارزش افزوده را شامل می‌شود. این درحالی است که شرکت‌های پاکستانی باید بین بیست تا ۱۲۰ درصد عوارض مالیاتی صادراتی پرداخت کنند و این عوارض بدون احتساب مالیات بر ارزش افزوده است. این مسئله رقابت میان پاکستان با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که آذربایجان نیز عضو آن است را بیش‌ازپیش می‌کند. در نتیجه امکان افزایش تبادل میان این دو کشور عملاً هزینه‌بر بوده و به‌صرفه اقتصادی نیست.

دوم، حمل‌ونقل مبادلاتی میان دو کشور مستلزم صرف هزینه تقریباً زیادی است که گسترش سطح تبادلات را با مشکل مواجه می‌کند؛ زیرا قیمت کالاهای صادرشده به آذربایجان با احتساب هزینه حمل‌ونقل بسیار بالاتر از قیمت کالاهای صادرشده ایران و ترکیه می‌شود. ایران و ترکیه همواره از مجاورت جغرافیایی خود در تبادل با آذربایجان استفاده می‌کنند. حدود ۴۵۰ شرکت ترکیه‌ای و شش بانک آن در آذربایجان فعالیت دارند، شرکت‌های تجاری ایرانی زیادی نیز در آذربایجان فعال هستند و همین شرکت‌ها زمینه‌ساز تسهیل تجارت ایران و ترکیه با آذربایجان می‌شوند و فضا را برای انجام مبادلات تجاری پاکستان - آذربایجان سخت می‌کنند. این مزیت رقابتی ایران و ترکیه است که افزایش تبادل تجاری پاکستان و آذربایجان را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، به‌سختی می‌توان گفت که دوازده شرکت تجاری فعالیت می‌کنند آن‌هم نه در سطوح بالا.

دکتر کمال مالیکی علی‌اف آذربایجانی و خرم عباس پاکستانی، نویسندگان این مقاله باور دارند که طرح یک کمربند یک راه فرصت مناسبی فراهم می‌آورد که از طریق آن بتوان

1. Common Wealth of Independent States (CSI)



مبادلات تجاری بین دو کشور را تسهیل نمود.

سوم، بانک ملی پاکستان از سال ۲۰۰۵ شعبه‌ای هرچند با اعتبار اسنادی کم را در باکو تأسیس کرد. چهارم، عامل دیگری که فضای مبادلاتی دو کشور را خاکستری کرده، این است که محصولات پاکستان دوباره، از راه کشور ثالث به آذربایجان صادر می‌گردد. ایران و امارات دو کشوری هستند که به‌عنوان کشور ثالث، راه عبور محصولات پاکستان به آذربایجان هستند. مشکل اصلی پاکستان صادرات دوباره کالاهای ثبت نشده است که دولت پاکستان سال‌هاست در صدد رفع این مشکل است اما رفع این مشکل نیازمند تعامل و همکاری بیشتری خواهد بود. پنجم، عدم امکان برقراری پرواز مستقیم بین آذربایجان و پاکستان یکی دیگر از مشکلاتی است که بازرگانان دو کشور و سفر آنها را سخت کرده است. سفر تاجران بین این دو کشور از راه پروازهای غیرمستقیم صورت می‌گیرد.

نویسندگان یادآور می‌شوند که بخش عمده اقتصاد آذربایجان بر صادرات نفت استوار است و با استناد به گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup>، قیمت جهانی نفت تا سال ۲۰۱۹ بین شبکه‌ای ۵۷ تا ۷۲ دلار باقی خواهد ماند. به‌همین خاطر، آذربایجان ناچار است تا فضای اقتصادی دیگری نیز برای خود فراهم کند. در اسناد ملی آذربایجان، پیش‌بینی شده که این کشور تا سال ۲۰۲۰ اقتصاد خود را علاوه‌بر نفت، از راه گسترش گردشگری، صنعت حمل‌ونقل، خدمات‌رسانی انرژی‌های تجدیدپذیر، تولید محصولات غذایی و توسعه بخش فناوری اطلاعات، متنوع سازد.

از آنجایی که اقتصاد پاکستان مبتنی‌بر کشاورزی است، افزایش تبادل محصولات کشاورزی از قبیل کتان، پنبه و برنج می‌تواند در دستور کار صدور قرار گیرد و در برابر، آذربایجان با صدور صنایع پتروشیمی، ابزار پزشکی و جراحی، می‌تواند موجب افزایش سطح مبادلات تجاری و اقتصادی دو کشور شود.

## ۲. همکاری‌های دفاعی

### - بخش دفاعی پاکستان

بخش دفاعی پاکستان در سال ۱۹۴۷ و همزمان با استقلال این کشور تأسیس شد.

1. International Monetary Fund (IMF)



چین و پاکستان در زمینه مسائل دفاعی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند؛ طبق گزارش‌های اخیر موجود، پاکستان دومین خریدار بزرگ صنایع دفاعی چین است و لازم به یادآوری است که این کشور در سال ۲۰۰۴ به عضو متحد غیرعضو ناتو تبدیل شد. ارتش پاکستان با ۶۱۷ هزار نیروی فعال آماده به خدمت، و ۵۱۵ هزار نیروی غیرفعال (ذخیره) یازدهمین ارتش بزرگ دنیاست. همچنین پاکستان جدای از نیروی متعارف، قدرت هسته‌ای (نامتعارف) نیز هست.

### - بخش دفاعی آذربایجان

چهارچوب بخش امنیتی آذربایجان در «قانون امنیت ملی جمهوری آذربایجان» در سال ۲۰۰۴ تصویب شد. ماده ۱۰ این قانون نیروی نظامی آذربایجان را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱. نیروی ارتش و دیگر واحدهای نظامی، ۲. آژانس ویژه سرویس اطلاعاتی آذربایجان، ۳. پلیس و دفتر تعقیب، و ۴. دیگر نهادهایی که با امنیت، جامعه و بخش‌های ارتباطی مرتبط هستند و نقش مستقیمی در حفظ امنیت ملی دارند.

طبق آخرین گزارش‌های موجود، آذربایجان ۶۷۰ هزار نیروی فعال آماده به خدمت و سیصد هزار نیروی ذخیره (غیرفعال) برای خدمت دارد. نویسنده معتقد است که تعداد نیرو و تجهیزات نظامی آذربایجان برای کشوری که ۹/۷ میلیون نفر جمعیت دارد، بسیار زیاد است. درحقیقت، صنایع دفاعی این کشور پس از استقلال و تأسیس وزارت دفاع در سال ۲۰۰۵ رشد و توسعه پیدا کرده است. درعین‌حال، صنایع دفاعی این کشور در حجم کوچک ساخته می‌شود و بیشتر تولیدات به‌صورت محلی به مرحله تولید می‌رسد.

با این اوصاف، همکاری دفاعی - نظامی میان آذربایجان و پاکستان در سطوح بالا در جریان است و مذاکرات مداوم حول آن جریان دارد؛ برای مثال، در فوریه ۲۰۱۴ پاکستان و آذربایجان توافق‌نامه همکاری دوجانبه دفاعی امضا کردند. این موافقت‌نامه در جریان دور پنجم کارگروه دوجانبه همکاری امنیتی پاکستان - آذربایجان منعقد شد. چند ماه بعد، در سپتامبر ۲۰۱۴، نمایشگاه صنایع دفاعی آذربایجان برگزار شد و برخی مقامات این دو کشور با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند.

در نمونه دیگر می‌توان به آموزش صد واحد نظامی پرسنلی آذربایجان توسط پاکستان در طول دهه گذشته اشاره کرد. با توجه به نمونه‌های مطرح‌شده، پیوند سیاسی - نظامی قوی بین دو کشور پاکستان و آذربایجان برقرار است هرچند که در دیدگاه نویسندگان این همکاری می‌تواند - و باید - از سطح آموزش نیروهای پرسنلی فراتر رود.





نویسندگان می‌گویند اگر چشم‌انداز روابط نظامی دو کشور را بررسی کنیم به دغدغه‌های نظامی - امنیتی مشترکی می‌رسیم که هر دو کشور با آن سروکار دارند و مهم‌ترین آن منازعات مسلحانه حل‌نشده بر سر حاکمیت سرزمینی یک قلمرو خاص (کشمیر و قره‌باغ) و در چهارچوب امنیت پیچیده منطقه‌ای است.

تفاوت عمده دو کشور در تعداد نیروهای مسلح است؛ درحالی‌که ۰/۲۵ درصد از جمعیت پاکستان عضو ارتش این کشورند. این رقم برای آذربایجان ۰/۶۸ درصد است. البته به‌نظر می‌رسد این تعداد بالای نیروی نظامی، حربه‌ای از سوی آذربایجان برای زیر فشار قرار دادن ارمنستان باشد. در مورد پاکستان اما این راهبرد مناسب به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا هند در مقایسه با ارمنستان بسیار پرجمعیت‌تر و دارای ارتشی به مراتب بزرگ‌تر است.

نویسندگان معتقدند که با وجود تفاوت‌های آشکاری که بین سامانه‌های امنیتی - دفاعی پاکستان و آذربایجان وجود دارد، دو کشور از سامانه تسلیحاتی و سیستم انرژی نظامی همسانی برخوردارند. دو کشور می‌توانند سطح همکاری دفاعی - نظامی خود را در زمینه فعالیت‌های منظم نظامی و تمرین‌های دوره‌ای نظامی در میان نیروهای مسلح خود ارتقاء دهند. تبادل اطلاعات ارزشمند نظامی همسو با مشکلات مرزی دو کشور در قره‌باغ و کشمیر بخش دیگری از چشم‌انداز همکاری دفاعی - نظامی دو کشور در آینده است.

از نگاه نویسندگان، مشکلات مرزی دو کشور با همسایگان خود - قره‌باغ و کشمیر - زمینه‌ساز بسط و گسترش همکاری و ارتقاء سطح همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور خواهد بود. در همین راستا، آذربایجان در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد که تمایل دارد از پاکستان جنگنده چندمنظوره JF-17 را خریداری کند، این مسئله هم از نظر استراتژیک و هم از نظر اقتصادی برای پاکستان بسیار مهم است.

### ۳. نتیجه‌گیری

نویسندگان در قسمت پیش از نتیجه‌گیری مقاله خود پیشنهادها و توصیه‌هایی را برای بالاتر بردن حجم مبادلات و ارتقای سطح همکاری دو کشور ارائه می‌کنند. از نگاه آنان، آنچه برای پاکستان در رابطه با آذربایجان اهمیت دارد، مسئله «ارتباط و اتصال» است. با توجه به بعد مسافت جغرافیایی و عدم همجواری، آذربایجان می‌تواند به طرح توسعه بندر گوادر دعوت شود و از این راه صادرات خود را به آسیای جنوب شرقی، شرق آسیا و آسیای جنوبی



انجام دهد. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، لزوم ایجاد یک کارگروه مشترک برای تعیین اولویت‌های ارتقای همکاری دوجانبه و برنامه‌ریزی مدون برای نحوه صادرات و واردات از طریق بندر گوادر خواهد بود.

به توصیه نویسندگان، آذربایجان باید با تخصیص یارانه بیشتر بر تعرفه واردات کالا از پاکستان، به نفع صادرات پاکستان میان تاجران ایران و ترکیه فضای رقابتی ایجاد کند. برای بهبود فضای تعامل تجاری، سازمان‌های تجاری مرتبط باید ارتقا یابند و راه‌حل‌های اتصال و تماس آنها بیش از پیش گردد؛ مثلاً مقامات سازمان توسعه تجارت پاکستان می‌توانند با سازمان ارتقای تجارت آذربایجان یادداشت تفاهمی را امضاء کنند؛ یا به‌طور مثال، دیدار کمیسیون مشترک معدن دو کشور که مدت طولانی‌ای است برگزار نشده، زودتر انجام شود.

علاوه بر موارد مطرح شده پاکستان می‌تواند سازگاری برای همکاری با آژانس توسعه کارگاه‌های کارآفرینی کوچک و متوسط آذربایجان فراهم آورد. تعامل بخش بازرگانی و بخش خصوصی دو کشور نیز از نگاه نویسندگان اهمیت خاص خود را دارد. مدیریت برنامه تبادل میان تاجران و مسئولین وزارت اقتصاد بازرگانی دو کشور و برگزاری دیدار رؤسای اتاق بازرگانی هر دو کشور می‌تواند از دیگر برنامه‌های آذربایجان و پاکستان برای بهبود سطح تعامل دو کشور باشد.

در مورد سازمان‌های بین‌المللی نیز نویسندگان معتقدند که پاکستان همچنان می‌تواند در سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup> به‌عنوان حامی عضویت آذربایجان عمل کند تا روند عضویت آذربایجان در این سازمان تسهیل شود. پاکستان می‌تواند به‌عنوان کانالی دیپلماتیک برای عضویت آذربایجان در سازمان تجارت جهانی عمل کند تا بدین ترتیب عضویت آذربایجان را در این سازمان شتاب بخشد؛ با عضویت جمهوری آذربایجان شرایط تبادل تجاری دو کشور نیز تسهیل خواهد شد و انتظار می‌رود حجم مبادلات افزایش یابد. با عضویت آذربایجان در سازمان تجارت جهانی، تعرفه واردات به این کشور کاهش خواهد یافت و پاکستان قادر خواهد بود تا با افزایش صادرات، حجم مبادلات اقتصادی را افزایش دهد.

نویسندگان بر این باورند که با برداشتن گام‌های گفته‌شده، همکاری دفاعی - نظامی دو کشور نیز بیش‌ازپیش خواهد شد و همکاری راهبردی نظامی دو کشور افزایش خواهد یافت

1. World Trade Organization



و روابط دوجانبه سیاسی بین آذربایجان و پاکستان به این مهم کمک خواهد کرد. تمرینات و مانورهای نظامی منظم باید در مقایسه با گذشته افزایش یابد و به نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی - دفاعی ارتقا پیدا کند. دو کشور باید در زمینه تجارت اسلحه و تدوین چهارچوبی متناسب با نیازهای امنیتی - دفاعی خود اقدام کنند.

## ارزیابی

با توجه به موارد عنوان شده، زمینه همکاری دو کشور پاکستان و آذربایجان می‌تواند بسیار گسترده باشد. این زمینه همکاری پس از ابلاغ سند توسعه ۲۰۲۰ آذربایجان و سیاست توسعه‌ای پاکستان در سال ۲۰۱۳ با وجود روابط دیپلماتیک و سیاسی مطلوب بین دو کشور، بیش از گذشته ایجاد شد؛ با این حال، تجارت میان دو کشور به دلیل کمبود تعاملات ارتباطی و اقتصادی با ایدئال مدنظر دو کشور فاصله زیادی دارد. کمبود توافق‌نامه‌های دوجانبه و موافقت‌نامه‌های دوجانبه سازمانی از دلایل اصلی این حجم پایین تبادلات اقتصادی است؛ اما توصیه‌های ارائه شده در این مقاله می‌تواند وضعیت موجود را تغییر دهد. تأکید نویسندگان مقاله بر آن است که ارتقای سطح همکاری دفاعی - نظامی عامل مهمی در افزایش تعامل و سطح مبادلات اقتصادی خواهد بود.

با توجه به روابط گرم سیاسی - دیپلماتیک دو کشور به نظر می‌رسد با رفع موانع موجود، دو کشور می‌توانند همکاری اقتصادی - دفاعی خود را افزایش دهند؛ فضای مناسب تبادل اطلاعات، تمرین‌های مشترک نظامی با توجه به منازعات مرزی و سرزمینی دو کشور از دیگر عوامل مؤثر در گسترش همکاری‌های دو کشور خواهد بود.

## پیامدها برای ایران

ایران با وجود داشتن روابط باثبات با پاکستان و آذربایجان باید ضمن رصد دقیق فعالیت‌های نظامی - دفاعی هر دو کشور، زمینه استفاده از تمایلات دو کشور به نزدیکی اقتصادی را با در نظر گرفتن مزیت‌های اقتصادی فراهم کند. در این راستا پیشنهادهای زیر جهت تامین منافع سه کشور ارائه می‌شود:

۱. پیشنهاد طرح توسعه کریدور ارتباطی ریلی - زمینی برای تسهیل ارتباطات دو کشور می‌تواند زمینه بهره‌برداری از مبادلات تجاری را علاوه بر درآمد حاصل از



- بخش حمل‌ونقل به‌همراه داشته باشد؛
۲. ایجاد پیوند اقتصادی میان پاکستان و آذربایجان به‌عنوان دو کشور نزدیک به عربستان و آمریکا می‌تواند زمینه سرزمینی تهدیدات احتمالی را کاهش دهد؛
  ۳. تصرف حوزه مشترک از مزیت‌های سه کشور برای ایجاد بازار مشترک در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌هایی که بتواند به‌عنوان مکمل اقتصاد سه کشور در نظر گرفته شود؛
  ۴. نزدیکی ایران به هند و ارمنستان به‌عنوان دو کشور طرف منازعه سرزمینی با پاکستان و آذربایجان می‌تواند ایران را به‌عنوان بخشی از راه‌حل تعریف کرده است؛
  ۵. مهم‌ترین پیامد منفی کاهش یا حذف ایران از پیوند دوجانبه پاکستان و آذربایجان می‌تواند کنار گذاشته شدن ایران در نگاه امنیتی این دو کشور با هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای‌شان باشد.